

منظور نظر فیض اثر شد - جان نثار خان عرف یادگار بیگ میر توزک
 بمرحمت خلعت و منصب دو هزاره هشت صد سوار و خدمت
 بخشی گویی دوم از تغیر شادی خان سر بلندی یافته سید بهادر از تغیرش
 بمخدمت میر توزک بلند پایگی یافت - دوازدهم ببادشاهزاده محمد
شجاع پاندان مرصع با شمشیر خاصه زر نشان و دو اسپ بساز طلا میذاکار
 و اقسام پارچه ارسال یافته سید سلطان ملازم شاه بلند اقبال را بعزایت
 خلعت و منصب هزار و پانصدی دریست سوار بحراست صوبه پنجاب
 از قبل آن والا جناب سرفراز گردانیدند - شانزدهم بچتر خن کلونف
 را که ابراهیم عادل خان از ذنات طبع و تصور فهم دختر برادر خورد بعقدش
 داده و ازو فرزندان بوجود آمده بانعام چهار صد مهر نواختند *

روز شنبه هژدهم نو نهال بوستان دولت سلطان سپهر شکوه را که شش
 سال شمسی از سنین عمرش منقضی شده بود در حضور اقدس وزن
 نموده هم سنگش بفقرا و مساکین قسمت نمودند و آن والا گهر سر پیچ
 اعلی قیمتی عطا نموده از اصل و اضافه چهار صد روپیه روزیانه و پانصد
 روپیه روزیانه سلطان سلیمان شکوه مقرر فرمودند - مرتضی خان بسبب
 کبر سن و ضعف قوی از منصب بر طرف گشته بسالیانه بیست لک
 دام داخل دعا گویان شد - چون بعرض مقدس رسید که بانگی که
 عصمت پناه اکبر آبادی محل نزدیک سرای بادای بفاصله دو نیم
 کوه از قلعه شاه جهان آباد بنا نهاده بود باتمام رسیده بفیض نزول اشرف
 طراوت دیگر بخشیده رونق بر رونق افزودند - آن پرستار خاص هژده خوان
 زر و سیم نثار مقدم مبارک نموده سرفرازی بی قیاس اندوخت - این
 باغ نو آئین که فضایی فرح افزایش بهوا داری فیض از ارم گرفته و زمین
 دانشینش بفرش سبزه و گل گوهر خویشتن را بر رخ فلک ثوابت

کشیده نمونه باغ فیض بخش و فرح بخش لاهور و کشمیر است .
 بهمان طول و عرض حیاض و انهار و خیابان و چمن بنا یافته محیط
 لطیف و بدایع گوناگونست و چون دلی بی غم خوش و خرم
 و مانند نزهت آباد فراغ خاطر داغ دل گلشن جنان - مجملاً آن
 منظور نظر بترتیب مرتبهای عالیه مربع سه صد گز در سه صد گز بنا
 یافته زمین دو مرتبه بالا قریب سه صد گز از سطح مرتبه پائین بلند است
 و مشتمل بر منازل دانشین - و در هر مرتبه که سه صد گز طول دارد
 نهری بعرض هشت گز در وسط حقیقی آن جاریست و آب نهر مذکور
 در هر عمارت بعرض دو گز و بعضی جا کم و بیش سایر و دایر گشته
 در حوضها بصورت آبشار می ریزد - و حوضهای کلان و فوارههای در
 فشان قطار اندر قطار و بروج و عمارات بهر دو باغ کلان لاهور و کشمیر
 مانند است سوای حوضی که در مرتبه دوم بطول بیست و دو
 و عرض هفده گز و هر چهار طرفش ایوانهای نو آئین و بر دو ضلع آن
 دو چوکندهی واقع شده مانا به حوض منجھبی بهرون - و حوضی دیگر منمن که
 قطرش چهل گز است و هر ضلعش هفده گز و بیست و یک فواره دارد
 بعینه نمونه چشمه شاه آباد - از حوض مرتبه دوم همان نهر بعرض هفت گز
 تا خیابان پیش جاری شده و بر دوز ایوانها جریان یافته بحوض منمن
 داخل می شود و از آن برآمده بجانب ضلع شمالی این باغ می رود و از آن
 پس از مرتبه باغ سوم گزشته در تالابی که بطول در صد و چهل و پنج
 و عرض یک صد و شصت گز بیرون باغ مرتب گشته داخل می شود -
 مجملاً در عرض چهار سائ بصرف دو لک روپیه صورت تمامیت پذیرفت -
 سرای بادابی که خاام بود نیز از سرکار عصمت پناه بی بی اکبر آبادی محل
 خاص مشتمل بر هفتاد حجره و پیش حجره و ایوان بگج و ریخته حسن انجام

یافت - ملا شفیعی یزدی نهم ذی حجه از بساط بوس انجمن حضور پر نور
بر کام خاطر فیروزی یافته بعذایت خلعت و انعام سه هزار روپیه نقد
و منصب هزاره صد سوار معزز و مفتخر گردید - موسی الیه بعد از
تحصیل علوم متداوله عقلیه و نقلیه برای تحصیل روزی حلال مبلغی از
سوداگران بعنوان مضاربت گرفته به هندوستان بهشت نشان که ماوای فاز و
نعیم راتبه داران زمان و زمین است چندی در اردوی معلی بسربرد
و پس از معاودت موکب نصرت از کابل بصوب هندوستان بقصد مراجعت
ایران بسورت رفته چون طالعش رو به بلندی داشت مراتب دانش و
استعداد او معروض اشرف گشته فرمان طلب او بنام متصدیان آنجا اشرف
صدور یافت *

چون بعد از سپری شدن ایام راول منوهر رامچندر برادر زاده
او که شایسته جانشینی نبود بی حکم اقدس بجای او نشست و روپسنگه
راتهور سبل سنگه خویش راول را که منوهر خواهش جانشینی نموده بود
بدرگاه والا فرستاد و عرضداشتی مصحوب او متضمن التماس مرحمت قلعه
جیسلمیر و خطاب راول برای او ارسال داشت بمراحم بادشاهانه موسی
الیه را بانجراح ملتسمات مذکور سر افراز ساختند - سوم ذی قعدة از
عرض داشت سبل سنگه بعرض مقدس رسید که چون او بقلعه جیسلمیر
رفت اکثر مردم آنجا بار گرویدند و قلعه بتصرف او در آمد و
رامچندر بی ستیز و آویز رو بفرار نهاد - در فیل که سبل سنگه زمیندار
ساتلمیر ارسال داشته بود از نظر انور گزشت - حضرت خاقانی برگذ
ساتلمیر را با قلعه آن که برارل منوهر بهاتی زمیندار جیسلمیر متعلق
بود بعد از در گزشتن او در تیول راجه جسونت سنگه مرحمت فرمودند -
بیست و هشتم از مضمون عرض داشت راجه بمسامع حقایق مجامع

رسید که قلعه مذکور بمحاصره نه روز مفتوح گشت و پرتاب بهائی در قلعه با گروهی که بود بقتل آمد *

دهم ذی حجه بجهت ادای نماز عید الضحی بمسجد عصمت پناه بی بی اکبر آبادی تشریف برده بعد از مراجعت سنت قربان به تقدیم رسانیدند - درین روز بشاهزاده بیدار بخت دازا شکوه خلعت خاصه و یک قطعه لعل و دو لک روپیه نقد بجهت انجام حویلی شاهجهان آباد که سابق نیز در لک روپیه برای ساختن آن داده بودند مرحمت فرمودند - بیست و نهم منشور عاطفت منشور با خلعت خاصه و سرپیچ مرصع که قیمت مجموع هشتاد هزار روپیه بود با فیل کوه شکوه نام با ساز نقره و ماده فیل و فیلی خورد بعادل خان حاکم بیجا پور مصحوب فتح الله خان فرستادند *

چون از عرض داشت متصدی بندر سورت بعرض مقدس رسید که سلطان محمد خان فرمان فرمای روم سید محی الدین نامی را بعنوان سفارت با نامه فرستاده وارد سورت گردیده از پیشگاه خلافت فرمان و خلعت بسید محی الدین مصحوب خواجه روشن گریزدار و بنام متصدیان مهمات عوینجات دیگر حکم معلی اشرف صدر پیوست که هر کدام بموجب ذیل بایلیچی مذکور بدهند - متصدی بندر سورت ده هزار روپیه از خزانه عامه و ملتفت خان صوبه دار برهانپور ده هزار و میرزا خلیف ناظم مهمات مانند ده هزار و شاهنواز خان صوبه دار مالوه ده هزار روپیه و خلیل الله خان در شاهجهان آباد ده هزار روپیه *

درین ایام چون خاطر اشرف متوجه شکار نیله بود در هشت روز بنجابه نیله بتفنگ خاصه شکار شد - محمد صالح خوانی مشرف نوبخانه بخدمت کوتوالی از تغیر قایم بیگ سرافراز گردید - نوزدهم

بادشاهزاده والا قدر محمد اورنگ زیب بهادر حسب الطلب اشرف
از ملتان رسیده سعادت اندوز ملازمت اقدس گشته بعفایت خلعت
خاصه سر بلندی یافتند *

جشن وزن شمسی

بیست و ششم محرم الحرام سنه یک هزار و شصت و یک مطابق
بیست و نهم دی ماه روز پنجشنبه مجلس آغاز سال شصتم از عمر جاوید
طراز و جشن وزن شمسی وزن مبارک در ایوان رفیع مکان شاه محل
انعقاد یافته انجمنی بهشت آئین بزیب و زینت تمام آراستند و عالمی
از فیض احسان بادشاه دریا دل کامیاب گشته سرمایه سیر چشمی اندوخت -
پیشکش شاهزاده والا گهر اورنگ زیب بهادر قدیمی جواهر و دوازده اسپ
و چهل و پنج استر و پانصد شتر از نظر اندوز گزشته آن والا گهر بانعام یک
لک روپیه سر افزای یافت - ذوالفقار خان بانضافه منصب پانصد سوار
بمنصب دو هزاری دو هزار سوار و محمد ابراهیم پسرش از اصل و اضافه
بمنصب هزاری ششصد سوار فرق مبهات بر افراختند *

توجه اشرف بگلگشت کشمیر جنت نظیر

چون در موسم برسات گزشته بسبب عدم بارش باران هوای دارالخلافه
بعفایت گرم گزشت لاجرم سعادت نصیبه بقعه کامل نصاب کشمیر محرک
اراده آنحضرت آمده عزم آن سمت سمت جزم پذیرفت - چنانچه غره
ربیع الاول سال هزار و شصت و یک طلوع افواج بحر امواج موکب منصور
بجانب مذکور متوجه شده در اعرابان نزول اجلال فرموده اول شاهزاده
عالی مرتبت محمد اورنگ زیب بهادر را بعفایت خلعت خاصه و در

اسپ با ساز طلا عز امتیاز بخشیده بملتان و ثانیاً جعفر خان را از اصل و اضافه بمنصب پنج هزاره پنج هزار سوار دو اسپه سه اسپه و عنایت خلعت و اسپ با زمین زرین و قیل از حلقه خاصه و صوبه داری تنه از تغیر سعید خان بهادر ظفر جنگ مدهی گردانیده رخصت آنصوب فرمودند - و نامدار پسر خان مذکور را از اصل و اضافه بمنصب هزاره ششصد سوار سربلند گردانیدند - خلیل الله خان را بمنصب چار هزاره چار هزار سوار و صوبه داری شاهجهان آباد مختص ساختند - و لهراسپ خان را از اصل و اضافه بمنصب هزاره سه هزار سوار و خدمت میر بخشی از تغیر خلیل الله خان بر فواخته سلطان حسین ولد اصالت خان را بفوجداری میان دو آب و محمد شریف ولد اسلام خان را بخدمت بخشی گری و واقعه نویسی دارالخلافه سرائوز گردانیدند - فیض الله ولد زاهد خان کوکه بخطاب خانی سر فرازی یافت *

روز دیگر کوچ در کوچ ازین منزل متوجه پیشتر شده از نزدیکی سرهند شاه بلذد اقبال را رخصت لاهور دادند - شانزدهم دولتخانه سرهند را از نزول اشرف رشک ازم ساخته از آنجا بسر کوچ بکنار آب ستلج رسیده بیست و پنجم از دریای بیاه برکشتی سوار عبور نمودند - غره ربیع الثانی بباغ فیض بخش دار السلطنت لاهور نزول اجلال فرموده آن مکن فردوس زیب را از فرمقدم همایون رشک فرمای بهشت برین گردانیدند - شاه بلذد اقبال با نونهال بوستان دولت سلطان سلیمان شکوه و خسرو سلطان ولد نذر محمد خان و مغل خان حاکم معزول تنه سعادت ملازمت دریافته مشمول توجهات والا گردیدند - دوم عابد خواجه که در ایام ذفرقه نذر محمد خان او را نقیب گردانیده بود باستیلام سده سپهر مرتبه رسیده نه اسپ در پیشکش گزاید و بعنایت خلعت و منصب هزاره

صد و پنجاه سوار و انعام چهار هزار روپيه سر بلند شده داخل بندهای درگاه گردید - چهارم همعنان دولت و اقبال از باغ مذکور بدوالت خانۀ لاهور تشریف فرمودند *

جشن وزن قمری

پنجم ماه مذکور روز دوشنبه محفل وزن مبارک قمری آغاز سال شصت و دوم از سنین عمر مبارک ترتیب داده باشاء سر انگشت چون جهانی از ارباب نیاز را بر مراد خاطر فیروز نمودند و بایمائی گوشۀ ابروی عطا برای عالمی سرمایۀ استغنا آماده ساختند - حیات خان را بمنصب سه هزار و پانصد سوار و سید سلطان ملازم شده بلند اقبال را بمنصب دو هزار و چار صد سوار و خطاب صلابت خان و تربیت خان را بمنصب هزار و پانصدی هشتصد سوار و ملا شفیععلی یزدی را بمنصب هزار و پانصدی صد سوار و حسین قلی آغر را بمنصب هزار و هشتصد سوار و اسد الله ولد شیر خواجه را بمنصب هزار و پانصد سوار و ناظر خان را بمنصب هزار و دو صد سوار از اصل و اضافه مفتخر و مباهلی گردانیدند - و غیرت خان را که از قبل شاهزادۀ کلان بنظم صوبۀ گجرات می پرداخت بمنصب سه هزار و پانصد سوار و شیخ عبد الکریم تھانیسوی را بعد از تغییر دیوانی اکبر آباد بخدمت وکالت گرامی اختراوج دولت و اقبال و منصب داخلی هزار و صد و پنجاه سوار و شیخ موسی گیلانی را بخدمت دیوانی کابل و مرحمت ماده فیل سر بلند و معزز نمودند - به بدیع الزمان امین لختی محال خاصه صوبۀ پنجاب و سید محمد محمود کروری بناله و غیره ماده فیل مرحمت شد *

پانزدهم بمنزل خلف دودمان عز و جلال شاه بلند اقبال شرف
 نزول ارزانی فرموده از جمله نثار و پیشکش یک لک روپیه را متاع گرفتند -
 از جمله پیشکش سعد الله خان نیز جواهر و اقمشه یک لک روپیه بشرف
 پذیرائی رسید - پیشکش روز یکشنبه تا یک سال به ملا شفیععلی یزدی
 مرحمت فرمودند - اهراسپ خان میربخشی را تا رسیدن سعید خان بهادر
 ظفر جنگ از تنه بجهت نظم مهمات و پرداخت معاملات صوبه کابل رخصت
 فرمودند - کب اندر ستیاسی که در تالیف دهرپد و تصنیفات هندی
 سابقه درست و مهارت تام دارن بدرگاه عائم پناه رسیده رخصت بار
 یافت و تصنیفاتش پسند خاطر مبارک افتاده بخلعت و انعام دو هزار
 روپیه مباحی گشته سر عزت باوج فلک برافراخت *

چون حقیقت پریشانی مغولان تالان زده امان بیدین و بی ایمان
 بعرض مقدس رسید چهل هزار روپیه عنایت نموده حکم فرمودند که سید
 هدایت الله صدر و میرک شیخ و مظفر حسین بخشیمی احدیان و سید بهادر
 میر توژک به بی نوایان و دل شکستگان بلخ و بدخشان قسمت نمایند -
 و از رافعه بنگاله بعرض مقدس رسید که بندر هجلی را با قلعه حاکم نشین
 ملازمان نادرشاهزاده عالی تبار شاه شجاع بسوگردگی خان بیگ که از قبل
 آن والا گهر بخراسان صوبه اودیسه می پرداخت از تصرف زمیندار آنجا
 بر آورده ضمیمه ممالک محروسه گردانیدند - منصب خان بیگ مذکور از
 اصل و اضافه هزاره هفت صد سوار قرار یافت *

بذابر آنکه ساعت کوچ والا بصوب کشمیر بیست و چهارم جمادی
 ثانی مقرر شده بود پانزدهم ماه مذکور امیرالامرا بعنایت خلعت خاصه
 و کمر خنجر سر بلند گشته بجهت ساختن راه پیشتر روانه شد - عبدالرحمن

سلطان که در آغاز سال بیست و سوم جلوس مبارک غره جمادی الثانی رخصت یافته بود پدر محمد خان را ملازمت نموده بذابری مصلحت وقت بحکومت و امانت ولایت غوری که سابق محافظت آن بعهدۀ حبیب درمن بود از جانب خان مذکور رخصت یافت - درین اثنا سبکان قلی خان قابو یافته با جماعت کثیر از اوزبک و الحان بر سر بلخ آمده کار بر پدر محمد خان تنگ ساخت - ناگزیر خان معزاییه به عبد الرحمن نوشت که از راه برگشته بمدد پدر رسد - او بعد از اطلاع بر حقیقت حال و ابا و امتناع قلعدار غوری برجناح استعجال روانه بلخ گشته بمحاربه ابراهیم ایدک که سر راه بر او گرفته بود پرداخت و جنگ سخت درمیان آمده ابراهیم مقتول گردید - در اثنای این حال قلماقان که با سبکان قلی متفق بودند از چهار جانب رسیده هنگام آریز و ستیز گرم ساختند - عبد الرحمن سلطان بذابری قلمت جمعیت تاب مقاومت نیاروده رو به هزیمت نهاد و از نامساعدی طاع بعد از طی دو منزل گرفتار شده در زندان سبکان قلی خان افتاد - چون نقش چذین نشست و صورت هلاک خود را در آینه معاینه مشاهده نمود نگاهبانرا امیدوار نوازش پادشاهی نموده بلطایف الحیل باتفاق آنها روانه درگاه گردید - شانزدهم بدریافت ملازمت اشرف رسیده زندگی از سر نو یافت و بعزیمت خلعت خلمه و جمدهر مرصع با پهلونکته و منصب چار هزاری ذات پانصد سوار و اسب با زمین زرین و ماده فیل و بیست هزار روپیه نقد سر بلند گشته از انعام عام پادشاه عالم پناه همراهانش نیز بمنتهای آرزو رسیدند •

سعد الله خان بهادر ظفر جنگ از صوبه بهار بزمین بوس حضور رسیده بعد از مرحمت خلعت و اسب با زمین زرین و فیل خلمه و خدمت صوبه داری کابل چهارم رجب روانه آن صوب شد - و مظفر

حسین را از اصل و اضافه بمنصب هزاری چار صد سوار و خدمت بخششی گری و داروغگی توپخانه صوبه کابل معزز ساخته به مهین اختر فلک جهانبانی نالکی که هفتاد هزار روپیه قیمت داشت عنایت نمودند - مرشد قلی را بخششی گری و ناک علی را بخدمت قلعداری و محمد صالح را بکوتوالی لاهور برنواخته آخر روز بیست و نهم جمادی الثانی باران سیر کشمیر از دار السلطنت لاهور کوچ نموده آن روی آب راری در خیمه و خرگاه نزول اجلال ارزانی فرمودند - بحکمت حکیم کامل قدرت که فاعل مختار است درین سال اول برسات باران کمتر بارید و از افراط حرارت زراعتها رو به پختگی نهاد و آخر باران رحمت الهی شروع در بارش نموده تا چهار ماه بشدت تمام در اطراف و اکناف بارید - چنانچه دریاها طغیانی نموده آب بهت تا هفت روز محیط قصبه بهیره بوده مردم را نزدیک به هلاک رسانید - و بعد از انتظار بسیار تفرل نموده کافه انام را از قید اضطراب رهایی داد *

آغاز سال بیست و پنجم از

جلوس مبارک

روز یکشنبه نهار جمادی الثانی سنه یک هزار و شصت و یک موافق سی و یکم اردی بهشت ماه الهی آغاز سال فرخنده قال بیست و پنجم جلوس میمنت مانوس از کنار رودبار راوی کوچ فرموده فروغ فلیقه دولت و اقبال بادشاهزاده بلند اقبال را بعنایت خلعت خاصه و سرپیچ گران بها از لالی و زهرود که اکثر اوقات برفرق همایون می بستند سر بلند ساخته با سلطان سلیمان شکوه دستوری معارفت لاهور دادند - بعد از ورود بساحل آب چذاب کشتیها را با یکدیگر پیوسته پل بستند و باسانی تمام از آن راه

کشاده گزشتند - بادشاهزاده مراد بخش از کابل آمده شرف اندوز ملازمت گردید و بعفایت خلعت خاصه و دو اسپ از طویله خاصه با زین طلا و صاحب صوبگی مالوه مشمول عواطف گشته دستوری یافت *

چون لوایل برسات از امساک و اواخر از افراط باران بمزروعات خالصه شریفه صوبه پنجاب که حاصلش قریب بچهل کروڑ دام نزدیک بصد لک روپیه است آفت رسیده بود سعد الله خان را بجهت تشخیص معاملات پنجاب و استمالت رعایا درین جا گزاشته سه کوچ به بهنجر و از آن مکان در عرض پنج روز به تهنه نزل نموده پانزدهم در ادهی پنجروز نزل اشرف فرمودند - و شانزدهم پنج و نیم کروه راه پیموده اعتقاد آباد را بقدم اشرف مورد برکات گردانیدند - از بسیاری نشیب و فراز و فاهمواری و تنگی راه اعلی حضرت به تصدیع تمام یک بهر روز مانده بمنزل رسیدند و ملکه دوران باهل محل بادشاهی وقت شام وارد گشتند - هفدهم از کتل حیدر آباد که از سر کتل تا پا برف بود و بعضی جا یک گز و بعضی جا کمتر ارتفاع داشت آنرا لکدکوب نموده همه جا زینه بریده بودند عبور نموده در ادهی حیدر آباد که از منزل گزشته در کروه بود نزل اجلال فرمودند - هژدهم باروی و نوزدهم بدیوی و بیستم باره موله مخیم سراق دولت و اقبال گشت - و از آنجا بیست و یکم برگشتی که امیر الامرا قبه و ستونش از طلای ناب و غلانش از زربفت ترتیب داده و دیگر سفایین سرکار خاصه که در کمال زیب و زینت ساخته شده بود سایر خدمه محل سوار شده با هزاران شادمانی متوجه شهر گشتند - و جا بجا خوامان و تفرج کفان مرحله پیمایا گردیده شب در سراق عصمت که بر ساحل دریا نزدیک لوی پور برپا شده بود گزانیدند - درم در باغ که بر ساحل رود بهت که بکمال زیبائی و زینت احداث پذیرفته نزل فرمودند - بیست و سوم روز

مبارک دو شنبه ساحت دولتخانه سپهر نشانه کشمیر را از پرتو ورود مسعود غیرت افزای طارم چارم گردانیدند - بیست و ششم منزل امیر الامرا بیمن مقدم خاقان بنده نواز سوزد برکات و مصدر سعادت گردید - خان معز الیه بشکر این مرحمت والا از جواهر و اقسام اقمشه نفیسه کشمیر بقیامت یک لک و بیست هزار روپیه گزرا نیده سرتفاخر از اوج فلک در گزرا نید - دوم رجب سعد الله خان که در وزیر آباد چندی بجهت تفقیح معاملات پنجاب مازده بود آمده ملازمت نمود - محمد صغی پسر اسلام خان که به بیجا پور نزدیک عادلخان رفته بود آمده ملازمت نمود - و پیشکش بادشاهی که از نقد و جنس و انیال چهل لک روپیه بود و بجهت باشاهزاده جهانیان بیگم صاحب از نقد و جنس پنج لک روپیه و برای مهین اختر برج خلافت نقد و جنس و انیال بقیامت پانزده لک روپیه آورده بود بعرض اقدس رسانید - کفور رام سنگه ولد راجه رام سنگه باضافه پانصد بمنصب هزار سوار مفتخر گردید *

چون حقایق آگاه ملاء شاه بدخشی از مریدان قدره المحققین میان میر بدیدن بادشاه معارف گاه آمده فیض صحبت دریافت چهارم این ماه بادشاه درویش نواز بمسجدی که از سرکار ملکه زمان بادشاهزاده جهان بیگم صاحب برای عبادت گاه او بصرف چهل هزار روپیه و عمارت اطرافش بجهت بودن فقرا در ثمال صفا و پاکیزگی بمبلغ بیست هزار روپیه صورت اتمام یافته بود تشریف فرمودند - آن خلوت گزین زاویه تجرید بدولت مجالست رسیده از سخنان بلند حقایق و معارف بهره وافی اندوخت - دهم در بیست اشرفی بشیخ یحیی گیلانی مرحمت فرمودند - و فرجداری پنوج و کاشال و دمیال بجبار قلی کهر مقرر ساختند - درازدهم آدم خان ولد علی تبتی و محمد مراد برادر زاده او را بعنایت خلعت

سرافراز ساخته با علیم بیگ و نعیم بیگ پسران سلیم بیگ کاشغری که ضامن آدم و محمد مراد شده بودند با گروهی از زمینداران کشمیر رخصت فرمودند که به تبت رفته میرزائی را که بر هئمونئی ادبار رو از بزدگی تافته مستاصل سازند و ولایت تبت بتصرف در آورده بضبط و ربط مهلت آنجا پردازند *

ملا فروغی شاعر که در نکته سنجی طبع موزون دارد مثنوی در تعریف شاهجهان آباد از نظر اشرف گزرانیده باذعام هزار رویه عز امتیاز اندوخت - میرزا خان نبیرا عبد الرحیم خانخانان بخدمت قلعداری احمد نگر از انتقال احمد خان نیازی و ملتفت خان خلف اعظم خان بخدمت دیوانی خاندیس و برادرش مغل خان بصوبه داری تته سر بلند گردیدند - شب یازدهم که لیلة الجوات بود مبلغ مقرر به نیازمندان و محتاجان کشمیر قسمت فرموده با پردگیان شبستان دولت بتماشای چراغان بساتین دل و اطراف آن و تفرج سفاین که بروش غریب روشن شده بود پرداختند - هژدهم بسیر تالاب صفاپور که گلگشت آن قطعه دانفشین و تفرج عیون ماء معین یاد از خوشی و دلکشی ارم می دهد بر کشتی تشریف فرمودند - شب هفتم تماشای چراغان بر کوهچه آن روی آب که ملازمان ملکه دوزان نموده بودند فرمودند - روز دیگر کشتی سوار بشهر معاودت فرموده بیست و هفتم چون از عرضداشت آدم خان تبتی بعرض مقدس رسید که میرزائی نابکار با توابع راه فرار سر کرده و تبت بتصرف بندهای درگاه آمده او را از اصل و اضافه بمنصب هزاری پانصد سوار سر افراز ساخته ولایت تبت که هشتاد لک دام جمع دارد در جاگیر او و برادرانش بطریق وطن مرحمت نمودند و بکب اندر ماده نیل و هزار رویه نقد مرحمت شد *

مراجعت از کشمیر به لاهور

چون اواخر بهار بسبب فزونی بارش و طغیانی آب ریاض و حدایق اطراف و وسط دل بی صفا و رونق گردید و باغ دولتخانه که پایان جهروکه واقع است از کثرت درآمد آب از طراوت افتاده و اشجارش خشک گردید و مقارن این باد تند بوزش در آمده درخت بسیار از سفیدار و چنار بر زمین افداخت و سیرگلهای کشمیر از صفا و پاکیزگی و نزهت و ترو تازگی بیگانه مطلق گشت از غایت بیدمانی مکرر بر زبان قدسی ترجمان گزشت که آمدن کشمیر بعد از طی منازل دشوار و عقبات صعب و تصدیع برف و باران محض بجهت تماشای گل و سبزه و آب است هرگاه طغیان آب حدایق و سیرگلهای اینجا چنین بی صفا و بی طراوت ساخته و شدت باد بدین درجه لطف همه چیز را از پا براندازد و باوجود تماشای بساتین و حدایق لاهور و شاهجهان آباد و تفرج ماء معین. روزهای ارم آئین این همه تصدیع بر خود پسندیده بدینجا آمدن محض فعل عبث است انشاء الله تعالی بعد ازین هرگز روی توجه بدین طرف نخواهم گذاشت - لاجرم بدین داعیه بیشتر لشکر ظفر اثر را برای راست رخصت نموده غره رمضان سنه بیست و پنج جلوس مبارک خود بدرامت برای شاه آباد متوجه هندوستان فیض نشان گردیدند - و بسواری کشتی تا اسلام آباد معروف بانفت ناک که مقطع سیر عالم آب است قطع منازل نموده از آنجا برای خشکی بسیر منجی بهون و صاحب آباد و شاه آباد پرداخته بهیرپور توجه فرمودند - و از آن مکان برای کریوه پیر پنچال کوچ به کوچ قطع مراحل نموده در عرض نه روز قصبه بهنبر را برود مسعود سر منزل شامانی ساختند - بیست و دوم ازین منزل فرمان عالیشان مشتملبر

طلب شاهزاده بلند مکان شاه شجاع بجهت یساق قندهار بخط خاص و خلعت والا مصعوب امیر بیگ یسارل عز لرسال یافت و مناشیر قدر تاثیر بفام جسونت سنگه و رستم خان بهادر فیروز جنگ و راجه جی سنگه و راجه بیتهداس و آله و یرمی خان و نجابت خان و راجه رای سنگه و راوستر سال و راجه بهار سنگه بندیله و دیگر بندها صادر گشت که هر کدام از جا و مکان خود روانه شده روز وزن مبارک خود را بدرگاه آسمان جاه رسانند *

بیست و سوم وقت کوچ از بهنیر مہین خلف دودمان عز و اقبال شاهزاده محمد دازا شکوه که از دارالسلطنت لاهور بطریق استقبال برآمده بودند با سلیمان شکوه شرف ملازمت دریافتند - بیست و هشتم از آب جذاب براہ جسر سفاین گزشتہ غرہ شوال دو منزلی جهانگیر آباد دولتخانہ نمودند - نظر بہادر از تصور وطن خود و نورالحسن از سیوستان آمدہ ملازمت نمودند - نورالحسن بفوجدازی ترہت سرافرازی یافتہ مرخص گردید - دو ہزار روپیہ بسید حسن سلالہ آل سید جلال و مادہ فیل بشیم محمد صاحب سجادہ حضرت قدرۃ الواصلین و زبدۃ المحققین شیم فرید شکر گنج مرحمت فرمودند - ہفتم از جهانگیر آباد کوچ فرمودند - قلیچ خان و خسرو و بہرام پسران نذر محمد خان از دارالسلطنت لاهور آمدہ دولت آستان بوس معلی دریافتند - دہم بباغ دلکشا پرتو ورود افگندہ بعد از تناول فرمودن نعمت خاصہ آخر روز برکشتی از دریای راوی گزشتہ دولتخانہ لاهور را از یمن مقدم والا رشک نورستان باطن خدا بیجان ساختند *

شانزدهم حسب الحکم اشرف تربیت خان میر توزک باستقبال سید معی الدین ایلچی قیصر روم شنافتہ اورا بہ پیشگاہ حضور آورد -

و او بعد از بساط بوس ازجمن حضور پرنور نامۀ قیصر با دو اسپ عربی یکی با زین مرصع که قیصر بآئین سلطان مراد خان عمّ خود بطریق ارمغانی ارسال داشته بود و پنج اسپ از جانب خود گزرا نیده بانعام پانزده هزار روپیه سرعزت بارج فلک رسانید - میریحیی بخدمت دیوانی و داروغگی کرکراقیخانۀ احمد آباد بخلعت و اضافه منصب مباحی گشته دستوری یافت - و بکب اندر هزار و پانصد روپیه انعام شد *

از آن جهت که در هنگام اقامت کشمیر مهین اختر اوج سلطنت مرصداشت نموده بودند که اگر حکم شود صبیحۀ خواجه عبد الرحمن ولد عبد العزیز خان نقشبندی را برای تازه نهال گلشن عز و اقبال شاهزاده سلیمان شکوه خواستگاری نموده آید و ملتمس بدرجۀ پذیرائی رسیده بیست و ششم رجب ازدواج بفعل آمد - چون در آن وقت چیزی نداده بودند چهارم آن ماه که وزن آن گل گلبن سلطنت بود خلعت خاصه و تسبیح مروارید منتظم با لعل و زمرد و جمدهر مرصع با پهلکناره و شمشیر مرصع با پردۀ مرصع عنایت فرمودند - و غیرت خان حارس احمد آباد از اصل و اضافه بمنصب سه هزاری در هزار سوار و طاهر خان بمنصب سه هزاری هزار سوار از اصل و اضافه سرفراز گردیدند - یازدهم بدوۀ التاج خلافت محمد شجاع بهادر طرۀ مرصع و تسبیح مروارید گران بها عنایت نموده مصحوب باقی بیگ گرز دار فرستادند - میرزا مراد کام از انتقال معتقد خان که درین ایام بساط هستی در نور دیده بود بضبط جونپور و منصب سه هزاری سه هزار سوار و عنایت نقارۀ بلند آوازه گشت - میر نعمت الله ولد میر ظهیر الدین بمنصب هزاری در صد سوار سر بر افراخته به نسبت دامادی مراد کام تعینات جونپور شد - و احمد بیگ خان بمنصب دو هزار و پانصدی دو هزار سوار و خدمت فوجداری بیسواره از تغیر مراد کام بر کام خاطر فیروز گردید *

بیست و یکم منزل مهین گوهر بحر خلافت و اقبال شاهزاده
 محمد دارا شکوه از ورود مسعود یگانه انفس و آفاق خدیو علی الاطلاق
 میمنت پذیرفته از جمله پیشکش آن والا گوهر جواهر و مرصع آلات و النوان
 اقمشه بقیمت یک لک و شصت هزار روپیه و فیلی سر آمد فیلان شاهزاده
 معز الیه بابت فرستاده عادل خان درجه پذیرائی یافت - چهار هزار روپیه
 از زر سرخ و سفید نثار به محیی الدین سفیر روم مرحمت نموده بعد از
 تفاعل نعمت خاصه آخر روز بدولتخانه مقدسه تشریف آوردند - شیر خان
 ترین بسبب حسن خدمت در ضبط هزاره و افغانه غزنین بمنصب دو هزار
 و پانصدی دو هزار و پانصد سوار در اسپه سرافراز گشت - بیست و نهم
 خواجه طیب از دار الخلافه شاهجهان آباد آمده سعادت ملازمت اشرف
 دریافت - درین تاریخ بمسامع جاء و جلال رسید که نذر محمد خان که روانه
 مکه معظمه شده بود در نزدیکی سمنان سلخ جمادی الثانی سال هزار
 و شصت و یک هجری سفر آن جهان اختیار نمود - خاقان بنده نواز
 خسرو و بهرام و عبد الرحمن پسران خان مرحوم را خلعت خاصه عنایت
 فرموده مشمول توجهات بی اندازه گردانیدند *

دستوری یافتن حاجی احمد سعید

بسفارت روم

چون حضرت حکیم علی الاطلاق جل برهانه رابطه مودت و اتحاد
 سلاطین عظام را باعث انتظام سلسله نظام جمله عالم و آرام عالمیان گردانید
 و استقامت احوال و افعال طبقه انام و جریان امور بر منهج قویم و صراط
 مستقیم اعتدال بضوابط موافقت و وداد خواقین کرام باز بسته خاقان
 کرم گستر که همیشه توجه و الیش مصروف سر انجام امور خیر است پس

مراتب دوستی مطمح نظر داشته نقره ذی حجه حاجی احمد سعید میر عدل را که برهنمونئی توفیق در مرتبه دولت حج دریافتند و در سال بیست و دوم جلوس والا تقدیلی گران بها که در کارخانه خاصه بمبلغ دو لک و پنجاه هزار روپیه با تمام رسیده و کیفیت و کمیت آن سابق بقلم آمده نذر روضه حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم برده بود درینفولا نامزد سفارت روم نموده بخلعت و امانت منصب و انعام دوازده هزار روپیه نقد معزز ساختند - و از پیشگاه عنایت جیغه و شمشیر مرصع با پردازگه مرصع بقیمت یک لک روپیه بطریق ارمغانی با نامه از منشاك علامی سعد الله خان که نقل آن درین صحیفه نگارش یافته مصحوب مومی الیه به قیصر روم که محرک سلسله موالات گشته نامه مصحوب محیی الدین فرستاده بود ارسال داشتند - و حکم فرمودند که اول بزیارت حرمین شریفین فلز گشته و متاع یک لک روپیه بر عرب بآئین پیشین به فقرا و ارباب استحقاق آنجا قسمت نموده بعد از آن متوجه روم گردند - خاقان دیندار کرم گستر از راه کمال ربط بمبداء و کمال نیایش از آغاز جلوس مبارک تا حال متاع ده لک روپیه که با منافع بیست لک روپیه می شود بدفعات بان در بقعه فیض طراز ارسال داشته تحریر سعادت گشته اند - محیی الدین سفیر قیصر بخلعت و اسپ با زمین مطلق و انعام پانزده هزار روپیه سرافراز گشته همراه حاجی احمد سعید رخصت یافت - خدمت و عدالت عسکر فیروزی اثر از تغییر او بشیخ عبد الصمد عمودی مرحمت فرمودند *

دهم ذی حجه روز عید الضحی بشان و شکوه مقور فیل سوار بعید گاه تشریف برده پس از ادای نماز به دولتخانه مراجعت فرموده رسم قربان به تقدیم رسانیدند - درین آمد و رفت از زر نثار عالمی را جیب و دامان آرزو بر از زر سرخ و نقره سفید نمودند - بیست و هشتم بعرض مقدس

رسید که راجه بیتهداس در وطن روانه کشور عدم گردید - چون پرورده نعمت و بر آورده تربیت این درگاه بود و بقدم بندگان بادشاه فلک جاه و مزید اعتقاد و خلوص اخلاص اختصاص داشت بر بسر رسیدن ایام عمرش بسی تاسف فرمودند و مکرر بر زبان اقدس آوردند که کاش آن مرد مردانه در مصاف بزرگ داد حلال نمکی داده نیکنامی جاوید می اندوخت تا باعث این قدر کدورت و نگرانی خاطر نمی گشت - و از روی عنایت و قدردانی افزوده پسر کلانش را بعنایت خلعت و اضافه هزار و پانصدی دو هزار سوار بمنصب سه هزاری سه هزار سوار دو اسپه سه اسپه و خطاب راجگی و عطای اسپ با زمین مطلق و فیل و نقاره و خدمت قلعداری درتهنپور سرافراز جاوید گردانیدند - و ارچن پسر دومش را باضافه پانصدی هفت صد سوار بمنصب هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار و بهیم را بمنصب هزاری چار صد سوار برنواخته سوی جنس که همه بر راجه افزوده مرحمت شد از جمله مبلغ ده لک روپیه که از راجه مانده بود شش لک روپیه بر راجه افزوده و سه لک روپیه با رچن و یک لک روپیه به بهیم و چهل هزار بهرجس پسر چهارم عنایت شد - شیو رام ولد بلرام برادر کلان راجه بیتهداس که پدر او در تنه با گوبالداس پدر خود بکار آمده بود باضافه پانصدی سه صد سوار بمنصب دو هزاری هزار و پانصد سوار و بخطاب راجگی و مرحمت اسپ و فیل و گردهو برادر خورد راجه بیتهداس باضافه پانصدی دو بیست سوار بمنصب هزار و پانصدی هزار دو بیست سوار و سایر برادران راجه به افزونی منصب و عنایات نوازش یافتند - میرزا محمد ولد میر بدیع مشهدی بخدمت فوجداری ماند و میر اسحق ولد اعظم خان بمنصب هزار و پانصدی هشت صد سوار و خطاب ارادت خان و اسپ با زمین مطلق و خدمت داروغگی فیلخانه والا سر بلند گردیدند •

پنجم صفر بعرض مقدس رسید که میرزا عیسی ترخان که از جوفه گده روانه درگاه آسمان جابه شده بود سیزدهم محرم در سانبهر پیمانگه حیات برآمد -
 پادشاه بنده نواز محمد صالح پسر کلانش را از اصل و اضافه بمنصب دو هزاره پانصد سوار و دو پسر دیگر را بمنصبی درخور عز و امتیاز بخشیدند *

از عرضداشت مظفر حسین بخشعی کابل بسمع والا رسید که سعید خان بهادر ظفر جنگ ازین جهان گزران روانه عالم بقا گردید - چون خانه زاد دیرین این دودمان والا شان بود و از ده کرسی پشت به پشت بقدگی این خاندان نامور نموده به ترددات نمایان و خدمات پسندیده بمنصب هفت هزاره ذات هفت هزار سوار دو اسپه سه اسپه که منتهای مراتب امرای ذی شانست مرتقی گشته بود تاسف بسیار نموده آمرزش او از درگاه آلهی مسألت نمودند - و از پسران او عبد الله را باضافه هزاره پانصد سوار بمنصب دو هزاره هزار و پانصد سوار و فتح الله را از اصل و اضافه بمنصب هزاره چهار صد سوار بر نواختند *

درین ایام هر کدام از عمدهای دولت جاوید طراز در پای درشن سان سپاه خود نمودند - هرکه جمعیت زیاده از ضابطه نمود مورد تحسین و آفرین شد - خصوصاً مدار المہامی سعد الله خان چهار هزار سوار و پیاده تفنگچی و باندار و بیلدار و رستم خان بهادر فیروز جنگ دو هزار و پانصد سوار خوش اسپه مسلح و مکمل بنظر اشرف در آوردند *

جشن وزن مبارک شمسی

هژدهم محرم سنه یک هزار و شصت و دو موافق یازدهم بهمن روز سه شنبه هنگامه آذین جشن بهشت آئین وزن مبارک شمسی ابتدای سال شصت و یکم از عمر ابد پیوند در ایوان کدیوان نشان که بآرایش پرند خطائی

و چینی رشک فرمای ارم گشته بود گرمی گرفته سر تا سر روی زمین از نور
 فروغ خرمی و شادگامی صفای دیگر یافت - نخست نیر اعظم این عالم سر
 سریر گوهر آگین را بیمن قدم میمنت لزوم زینت تازه بخشیده با کشادگی
 پیشانی نورانی صبح دوم و باشاره گوشه ابروی داجوی که در حقیقت گره
 کشای عقد کار فرو بسته بی روزگار است ابواب فراغ عیشی و کامرانی
 بر روی تنگستان روزگار کشاده آنگاه از سر عنایت تمام بمقام نوازش
 بندهای درگاه درآمدند - از امرای عظام گرفته تا منصبداران و شفا
 همگی باضافه منصب سرافراز گردیدند - به مهین گوهر بحر خلافت
 و نامداری اسپ با ساز طلا و برستم خان فیروز جنگ یک اسپ عراقی
 با ساز طلا و صد اسپ توکی مرحمت فرمودند - لهراسپ خان بعنایت خلعت
 خاصه و اضافه هزاری ذات و دو هزار سوار بمنصب پنجهازاری پنجهازار سوار
 و خطاب مهابت خان و صوبه داری کابل و عطای اسپ با ساز طلا و فیل
 سربلند گشته دستوری یافت - رام سنگه راتهور بمنصب چار هزاری دو
 هزار سوار و نقاره و نصیری خان و اخلاص خان و غیرت خان و مکند سنگه
 هاده بعنایت علم و نقاره و قباد خان و سبل سنگه و رتن راتهور بمرحمت
 علم و نقاره و جان نثار خان بخششی دوم بمنصب دو هزار سوار و علم
 و سید صلابت خان حارس اله آباد بعطای علم و دلیر خان بمنصب هزار
 و پانصدی هزار و پانصد سوار و علم و هر کدام از تربیت خان میر توزک
 و بیوم دیو سیسودیه بمنصب هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار و راجه
 مدن سنگه بمرحمت علم و سید حسن بمنصب هزار و پانصدی هزار و پانصد
 سوار و ابوالمعالی ولد میرزا والی بمنصب هزار و پانصدی پانصد سوار
 و شاه محمد قطغان نیز بهمین منصب و رازو امر سنگه چندراوت بمنصب
 هزار سوار و هریک از عبد الرسول ولد عبد الله خان بهادر و اسد الله

خان ولد شیر خواجه بمنصب هزاری ششصد سوار از اصل و اضافه سر عزت
 بارج فلک برافراختند - و گروهی دیگر را نیز بفرزونی منصب نوازش فرموده
 ده لک روپیه بجهت مدد خرچ تعیناتیان صوبه کابل مصدوب دولت
 خان قیام خانی و گوپال سنگه نزد مهابت خان فرستادند *

درین محفل والا هزار خلعت به گرز داران و بوقندازان و جز آن
 مرحمت فرموده پس از آن وزن معهود آن منبع احسان و جود با نقود خزینه
 بحر و کان بوقوع آمده آرزوی دیرینه عدن و معدن در آن فرخنده انجمن
 بظهور آمد - عبد الصمد وکیل قطب الملک بعطای خلعت و هشت هزار
 روپیه نقد و دستوری معاودت گولکنده سرافرازی یافته با فرمان عالیشان
 و سرپیچ مرصع قیمتی و چهار اسپ کونت راهوار که بقطب الملک
 مرحمت گشته بود روانه آن حدود شد - پیشکش ملکه دوران بیگم صاحب
 از جواهر و مرصع آلات با یک قطعه زمرد کلان و یک قطعه الماس
 مجموع بقیمت یک لک روپیه از نظر اشرف گزشت *

هشتم ربیع الاول سال مذکور بر گوهرین سریر عرش نظیر طلای
 مینا کار که در جذب فروغش میزای فلک بی آب و رنگ می نمود
 و در مدت نه ماه بطول درنیم ذراع و عرض یک نیم گز و ارتفاعش
 سه گز و بیست و یک نیم طسو بصرف پنج لک روپیه مهیا گشته
 بود جلوس دولت فرموده از نثار و انعام عالمی را کامروا ساختند -
 چون در همین تاریخ ساعت مختار و مسعود روانه نمودن پیشخانه
 معلی بصوب دارالملک کابل بود لاجرم باشاره والا سمت وقوع یافت -
 و کوتوال و عمده فراشخانه از مشرف و میر منزل و امثال ایشان
 بطریق معهود این دولت کده والا بخلاص فاخره متخلع گشته تا یک
 گروهی دارالسلطنت لاهور رسیده تسلیمات مبارکباد بجا آرند - چون

پیش ازین فرمان عالیشان بنام بادشاهزاده جهان و جهانیان محمد اورنگ
زیب بهادر صادر شده بود که شب دوشنبه هژدهم ربیع الاول مطابق
هشتم اسفندار بعد از یک پهر و پنج گهری بانفاق اهل تنجیم ساعت
سعید نهضت معلی بصوب کابل و رخصت افواج قاهرة مقرر شده
آن والا گهر بحر خلافت نیز در همین ساعت از ملتان روانه قندهار
شوند لاجرم درین تاریخ خلعت خاصه و جیفه مرصع و در اسپ خاصه
یکی عربی و دیگری عراقی با زین طلا و فیل با یراق نقره و ماده فیل
مصعوب محمد صفی پسر اسلام خان فرستاده آن شایسته عواطف نامتفاهی
بادشاهی را بانواع مراسم دیگر نوازش فرموده پنجاه هزار روپیه را
جواهر و مرصع آلات و پنج لک روپیه دیگر نقد مرحمت نمودند -
از پیشگاه حضور پرنور شاهنواز خان و قلیچ خان و راجه بهار سنگه
بندیله و سردار خان و مبارک خان و کاکر خان و خنجر خان و شمس
الدین و قطب الدین پسران نظر بهادر خویشگی و خوشحال بیگ
کاشغری و سید محمد و سید شهاب بارهه و شاه محمد قطغان و عبد الله
و اد حاجی منصور و عبد الرسول و اد عبد الله خان بهادر و خواجه عنایت
الله و ملک حسین ابدالی و سید منصور و اد سید خانجهان و دیگر بندها
قریب بیست هزار سوار جرار بخدمت آن والا گهر تعیین نموده به شاهنواز
خان و قلیچ خان خلعت خاصه و اسپ با زین نقره و ماده فیل و جمعی
از بندها بمرحمت خلعت و بعضی بعنایت اسپ فرق مبالغات به
فلک برافراختند - و محمد صفی پسر اسلام خان بخششی و واقعه نویسی
این فوج مقرر شد - و حکم معلی بشرف نفاذ پیوست که شاهزاده عالی
مقدار از ملتان براه راست که همگی یک صد و شصت کروه جریبی
است متوجه شده روز یکشنبه سوم جمادی الثانی سال بیست

و ششم جلوس مقدس مطابق بیست و سوم اردی بهشت با عساکر جهانکشی قلعه قندهار را محاصره نمایند - و سعد الله خان نیز با سایر سرداران در همین تاریخ بقندهار رسیده در محاصره شریک شود - و شیخ عبد الکریم بعدایت خلعت و حراست صوبه دارالسلطنت لاهور از قبل مهین اختر سیمای دولت و بختیاری و یوسف آقا بمنصب هزاری چار صد سوار و خدمت قلعه داری ارک دارالسلطنت لاهور و ناد علی بخدمت کوتوالی و نویت خان بخدمت داروغگی برقندازان و کوتوالی رگاب ظفر انتساب سر افراز گردیدند - درین تاریخ پیمانۀ عنصری نظر بهادر خویشتگی نبریز گردید - شمس الدین پسر کلانش بمنصب هزار و پانصدی پانصد سوار و قطب الدین پسر دومین بمنصب هزار و پانصدی چار صد سوار از اصل و اضافه نوازش یافتند - خانه زاد خان پسر یمین الدوله که از نژاد برادر خود شایسته خان از دکن آمده بود سعادت اندوز ملازمت گشت •

نهیست آیات جهانکشا از لاهور بصوب کابل

و تعیین لشکر ظفر اثر بسرداری بادشاهزاده

عالمیان محمد اورنگ زیب

بهادر و علامی سعد الله خان

بجهت: تسخیر قندهار

مرتبۀ دوم

چون حسب الاستصواب عزیمت زلی صواب انتملی ساز محاربه ساخته شد و اسباب محاصره پرداخته آمد سپاه فیروزی دستگاہ بانعام و اضافه